

## Compare emotion recognition dimensions in people with antisocial and obsessive-compulsive personality disorders and those with normal personality

Monir Jamali<sup>1</sup>, Farzin Yaghmaee<sup>2</sup>, Parviz Sabahi<sup>3</sup>, Imanollah Bigdeli<sup>4</sup>

1- Master of Cognitive Psychology, Semnan University, Semnan, Iran.

2- Associate Professor, Department of Electrical & Computer Engineering, Semnan University, Semnan, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran (Corresponding Author). E-mail: p\_sabahi@semnan.ac.ir

4- Professor, Department of Clinical Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 09/12/2019

Accepted: 04/03/2020

### Abstract

**Introduction:** Emotion recognition is an essential ability to understand others' behavior. Emotions can be recognized through facial expression, voice, and gestures.

**Aim:** This study aims to compare emotion recognition dimensions in people with antisocial (ASPD) and obsessive-compulsive personality disorders (OCPD) and those with normal personality.

**Method:** The statistical population of this descriptive, causal-comparative research included all female students of Ferdowsi University of Mashhad in the academic year 2016. A total of 400 students were randomly selected to fill out Millon Clinical Multiaxial Inventory, 3rd edition (MCMI-III). Then, a total of 30 students were assigned to each group based on the inclusion criterion. The participants took part in facial, vocal, and somatic emotion recognition and theory of mind tests. Data were analyzed using univariate and multivariate analysis of variance.

**Results:** Results showed a significant difference between ASPD and OCPD groups for vocal anger emotion arousal ( $p=0.028$ ). The results also showed a significant difference between OCPD and normal personality groups in terms of neutral emotional intensity ( $p=0.049$ ). Moreover, a significant difference was observed between ASPD and normal personality groups for somatic emotion recognition in two states of happiness ( $p=0.004$ ) ( $p=0.001$ ), and between OCPD and normal personality groups in one state of happiness ( $p<0.05$ ).

**Conclusion:** Individuals with ASPD showed better performance in recognizing somatic emotion, which provides a theoretical ground for new therapeutic methods. However, further studies are required to recognize emotion using different methods (voices, body movements, etc.) in clinical samples.

**Keywords:** Emotion recognition, Antisocial personality disorder, Obsessive-compulsive personality disorder, Normal

---

**How to cite this article :** Jamali M, Yaghmaee F, Sabahi P, Bigdeli I. Compare emotion recognition dimensions in people with antisocial and obsessive-compulsive personality disorders and those with normal personality. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2020; 7 (1): 57-77 .URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-711-fa.pdf>

## مقایسه ابعاد بازشناسی هیجان در افراد با نشانه‌های اختلال شخصیت ضداجتماعی، اختلال شخصیت وسوسی و بهنجار

منیر جمالی<sup>۱</sup>، فرزین یغمایی<sup>۲</sup>، پرویز صباحی<sup>۳</sup>، ایمان الله بیگدلی<sup>۴</sup>

۱. کارشناس ارشد روانشناسی شناختی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲. دانشیار، گروه برق و کامپیوتر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۳. استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: p\_sabahi@semnan.ac.ir

۴. استاد، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸

### چکیده

**مقدمه:** توانایی بازشناسی هیجان، برای درک رفتار شخص مقابل ضروری است و بازشناسی هیجان می‌تواند از چهره، صدا و حرکات بدن انجام پذیرد.

**هدف:** هدف پژوهش، مقایسه ابعاد بازشناسی هیجان در افراد با نشانه‌های اختلال شخصیت ضداجتماعی و وسوسی و عادی بود.

**روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی در سال تحصیلی ۱۳۹۵ تشکیل دادند. ۴۰۰ دانشجو به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ی بالینی میلون ۳ را کامل کردند. سپس بر اساس ملاک‌های ورود ۳۰ نفر برای هر گروه انتخاب شدند. آزمون‌های بازشناسی هیجان چهاره‌ای، صوتی، تنی و نظریه ذهن بر روی شرکت کنندگان اجرا شد. داده‌ها با آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره بررسی شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسوسی در امتیازدهی برانگیختگی هیجان صوتی خشم ( $p=0.028$ ) و بین گروه شخصیت وسوسی و عادی در امتیازدهی شدت هیجان خشی ( $p=0.049$ ) تفاوت معنادار وجود داشت. در بازشناسی هیجان تن بین گروه شخصیت ضداجتماعی و عادی در دو حالت هیجان شادی ( $p=0.004$ )، ( $p=0.001$ ) و بین گروه شخصیت وسوسی و عادی در یک حالت هیجان شادی ( $p=0.016$ ) تفاوت معنادار وجود داشت ( $p<0.05$ ).

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج به دست آمده، افراد با ویژگی‌های شخصیت ضداجتماعی در بازشناسی هیجان تن عملکردی بهتری دارند و می‌توان پیش‌زننده‌ای نظری برای شیوه‌های جدید درمانی را مطرح کرد. البته تحقیقات بیشتری در بازشناسی هیجان به روش‌های مختلف (صوت، حرکات بدن) در نمونه‌های بالینی ضرورت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** بازشناسی هیجان، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، اختلال شخصیت وسوسی، بهنجار

## مقدمه

خوردن و انواع اختلالات شخصیت (اشنايدر، کریستنسن، هاسینگر، فالگا تر، گیز و کریستین الیز<sup>۸</sup>). پژوهش‌های مختلف نشان داده است، افراد مبتلا به اختلال شخصیت از نظر کارکرد شناختی دچار مشکل هستند (فرتوک، لنزنوگر، کلارکین، هورمن و استنلی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶؛ ترومن، میلانو واکر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶). در پژوهشی (جمالی، یغمایی، صباغی و بیگدلی، ۱۳۹۶) نشان داد شد نقص در توجه انتخابی با بروز نشانه‌های اختلال شخصیت مرتبط است و پیشنهاد شد پردازش محرك‌های اجتماعی در اختلال شخصیت ضداجتماعی<sup>۱۱</sup> و اختلال شخصیت وسوسی<sup>۱۲</sup> مورد بررسی قرار گیرد.

طبق ویرایش پنجم راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۳)، شخصیت ضداجتماعی داشتن شش یا بیشتر از هفت صفت شخصیتی مرضی که شامل: بهره‌کشی و بازی دادن دیگران؛ سنگ دلی؛ سیزه‌جوبی؛ خطرپذیری؛ تکانش گری؛ بی مسئولیتی؛ جسور و نترس بودن تعریف شده است. مارش و بلر<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۸) دریک فرا تحلیل مشاهده کردند، افرادی که علائم رفتار ضداجتماعی را دارند، اغلب در شناسایی هیجان چهره نقص دارند و در شناسایی هیجان ترس ضعیف‌تر عمل می‌کنند؛ که می‌تواند دلیل آن بد کارکردی آمیگدال<sup>۱۵</sup>، منطقه‌ای مربوط به پردازش حالت ترس باشد. بازشناسی هیجان چهره بر روی ۱۲۷ زندانی اسکاتلندي (رابینسون، اسپنسر، تامسون، اسپینگر مایر، اوونز، استندفیلد، هال، بیگ، مک اینتایر، مکنی

<sup>۸</sup>- Schneider S, Christensen A, Häußinger F B, Fallgatter A J, Giese M A, Christine Ehlis A

<sup>۹</sup>- Fertuck E A, lenzenweger M F, clarkin J F, Heormenn s & Stanley B

<sup>۱۰</sup>- Tromtman H, MC Millan A & Walker E.

<sup>۱۱</sup>- Antisocial personality disorder

<sup>۱۲</sup>- Obsessive-compulsive personality disorder

<sup>۱۳</sup>- Diagnostic and statistical manual of mental disorders DSM

<sup>۱۴</sup>- Marsh and Blair

<sup>۱۵</sup>- Amygdala

شناخت اجتماعی<sup>۱</sup> فرایندی است در یک دامنه شناختی خاص انسان؛ شامل اعمال ذهنی که زمینه رفتار و تعامل اجتماعی را برای پاسخ به مشکلات اجتماعی فراهم می‌کند. بیان و بازشناسی هیجان نقش مهمی در شناخت اجتماعی دارد. زمانی که هیجانات ابرازشده توسط دیگران شناسایی می‌شود، نشانه‌هایی درباره حالات ذهنی افراد به دست می‌آید. علاوه بر این به منظور تفسیر علامت‌های اجتماعی در دیگران، افراد باید از یک طرف توانایی همدلی و از طرف دیگر دارای توانایی استفاده از یک چهارچوب مرجع؛ شامل نظریه‌های در مورد رفتار دیگران باشند. به عنوان مثال ما با در نظر گرفتن افکار و هیجانات دیگران، به انجام رفتارهایی خاص دست می‌زنیم (تگل، کوستانزو، اچاوا و گواین جون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). جنبه‌های مستقل شناخت اجتماعی عبارت‌اند از: بازشناسی هیجان<sup>۳</sup>، سبک اسنادی<sup>۴</sup> و نظریه ذهن (اسچیمانسکی، دیوید، راسلر و هاکر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). بازشناسی هیجان شخص دیگر، توسط بیان غیرکلامی از چهره، صدا، یا بدن صورت می‌گیرد و توانایی کلیدی در تعاملات اجتماعی و پیش‌شرطی برای درک و پیش‌بینی و واکنش مناسب به رفتار شخص است (شلگل، گرنجدین و شرر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). نقص در بازشناسی هیجان با ضعف مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات و عملکرد بین فردی و رفتار اجتماعی نامناسب مرتبط است (مان ناوا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲) بر این اساس، نقص در بازشناسی هیجان در انواع مختلف اختلال‌های روانی قابل مشاهده است؛ مانند اختلالات خلقی، اختلال

<sup>۱</sup>- Social cognition

<sup>۲</sup>- Ruiz-Tagle A, Costanzo E, De Achával D, Guinjoan S

<sup>۳</sup>- Emotion recognition

<sup>۴</sup>- Attribution styles.

<sup>۵</sup>- Schimansky J D, Rossler w n & Haker H.

<sup>۶</sup>- Schlegel K, Grandjean D & Scherer K R

<sup>۷</sup>- Mannava S

فورنربو گتو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ سامولزلز، نیستاد، بینونو، کوستا، ریدل و لینک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰ لزوم بررسی متغیرهای حاضر در پژوهش در اختلال شخصیت و سوسای احساس می‌شود. تحقیقات عصب زیستی بر ادراک هیجانات چهره نشان داده است فعالیت مناطقی از مغز در ارتباط با ادراک چهره افزایش می‌یابد؛ مانند منطقه دو کی چهره<sup>۷</sup>، شیار جلوی گیجگاهی<sup>۸</sup>، شکنج تھانی پس سری<sup>۹</sup>. علاوه بر این گزارش شده حالات هیجانی چهره، فعالیت عصبی را به صورت شبکه‌ای توزیع شده از جمله آمیگدال، اینسولا<sup>۱۰</sup>، مخچه<sup>۱۱</sup>، پیش پیشانی<sup>۱۲</sup> و همچنین مناطق حدقه‌ای پیشانی<sup>۱۳</sup> مغز راه اندازی می‌کند (اشنایدر و همکاران، ۲۰۱۴). حالات چهره نقش مهمی در عملکرد اجتماعی انسان بازی می‌کند، اما تحقیقاتی نشان داده، در که هیجانات چهره به طور قابل توجهی تحت تأثیر حالات کل بدن قرار دارد (اشنایدر و همکاران ۲۰۱۴) و بازشناسی هیجان توسط زبان بدن احتمالاً سازگاری اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (لوی، وادیا و پارادیسو<sup>۱۴</sup>). بازشناسی هیجان را می‌توان از بسیاری از منابع از جمله صدا، چشم‌ها، ژست بدن و چهره انجام داد. در حال حاضر بسیاری از روش‌های بازشناسی هیجان تنها از یک منبع (به عنوان مثال شکفته)، رفیعی نیا و صباغی، ۱۳۹۲؛ نجاتی و همکاران ۱۳۹۳) استفاده کرده‌اند. با توجه به این که ابراز هیجانات افراد در هر لحظه تغییر می‌کند، بررسی از یک روش واحد برای پردازش بازشناسی هیجان، به درستی هیجانات را منعکس نمی‌کند (شلگل،

وجانستون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲) نشان داد، این افراد به میزان قابل توجهی، در بازشناسی هیجانات، خشم، ترس، غم و نفرت ضعیف بودند. در میان تعداد زیادی از مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر در بروز یا بهبود اختلال و سوسای - جبری می‌توان به هیجان اشاره کرد (کاستر، لیمن رادت و کرومیز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). نقص در بازشناسی بیان چهره‌ای هیجان سازه‌ای است که می‌تواند در تشید علائم اختلالات و سوسای فکری عملی نقش بسزایی داشته باشد (امیری، قاسم پور، فهیمی، ابوالقاسمی، اکبری، آق و فخاری، ۱۳۹۰). طبق ویرایش پنجم راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی (۲۰۱۳)، شخصیت و سوسای داشتن سه یا بیشتر از چهار صفت شخصیت مرضی، شامل: کمال طلبی سخت گیرانه؛ درجا ماندگی؛ اجتناب از صمیمیت؛ هیجان پذیری محدود که یکی از آن‌ها می‌باشد کمال طلبی سخت گیرانه باشد، تعریف شده است. در فرا تحلیلی که شامل بررسی ۱۴ مطالعه (داروس، زاکزانیس و رکتور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴) در مورد بازشناسی هیجان چهره در افراد و سوسای-جبری انجام شد. بیماران اختلال و سوسای-جبری<sup>۴</sup> به طور کلی نسبت به گروه کنترل دقت کمتری در بازشناسی حالات هیجانی چهره به خصوص در بازشناسی هیجانات منفی از جمله نفرت و خشم داشتند. به علت اینکه پژوهشی در مورد بازشناسی هیجان و نظریه ذهن اختلال شخصیت و سوسای صورت نگرفته است مطالب ذکر شده مرتبط با اختلال و سوسای-جبری بود و به دلیل همبودی بالای این دو اختلال (البرت، ماینا،

<sup>۵</sup>- Albert,mania, Forner, Bogetto

<sup>۶</sup>- Samuels, Nestadt, Bienvenu, Costa, Riddle, Liang, Cullen

<sup>۷</sup>- The fusiform face area

<sup>۸</sup>- Superior temporal sulcus

<sup>۹</sup>- Inferior occipital gyrus

<sup>۱۰</sup>- Insula

<sup>۱۱</sup>- The cerebellum

<sup>۱۲</sup>- Prefrontal

<sup>۱۳</sup>- Orbitofrontal

<sup>۱۴</sup>- Loi, Vaidya, & Paradiso

<sup>۱</sup>- Robinson, Spencer, Thomson, Sprengelmeyer, Owens, Stanfield, McKechanie

<sup>۲</sup>- Koster, Leyman Raedt R,& Crombez G

<sup>۳</sup>- Daros, Zakzanis, & Rector

<sup>۴</sup>- Obsessive-compulsive disorder

طرح کرد. می‌توان ابزارهایی ساخت که با دقت بیشتری این سازه را از چند بعد بسنجد و برای افزایش مهارت‌های بازشناسی هیجان مورد استفاده قرار گیرد.

### روش

پژوهش حاضر توصیفی، از نوع علی- مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی شهر مشهد که در سال تحصیلی ۱۳۹۵ این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دادند. ابتدا از بین تمامی دانشجویان دانشگاه ۴۰۰ نفر با روش تصادفی ساده انتخاب و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج ۹۰ نفر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود در پژوهش حاضر عبارت بودند از: کسب نمره برش (بر اساس انحراف از میانگین) در آزمون میلیون نسخه سوم، دامنه سنی ۱۸ تا ۳۶ سال. همچنین ملاک‌های خروج در پژوهش حاضر شامل: داشتن هرگونه مشکلات حسی و حرکتی، سابقه مصرف هرگونه داروی روان‌پزشکی در رابطه با اختلالات سایکوتیک، خلقی و اضطرابی، سابقه سوء‌صرف مواد بود. همچنین به‌منظور کنترل اختلالات همبود از افرادی که ملاک ورود به پژوهش را داشتند مصاحبه بالینی ساختار یافته بر مبنای راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی به عمل آمد. در این پژوهش، ابتدا نرم‌افزار پرسشنامه چند محوری بالینی میلیون ۳ بر روی ۴۰۰ دانشجو اجرا شد. (انتخاب این حجم نمونه با توجه به تحلیل زیرگروه و رسیدن به حجم مطلوب در هر گروه بود) از آنجاکه تعیین حجم نمونه در رابطه با طرح‌های علی- مقایسه‌ای حداقل بین ۱۵ تا ۳۰ نفر ذکر شده نمونه آماری نهایی این پژوهش ۹۰ نفر برآورد

گردید. رافمن، هالبرت اشتات و موررای<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) سه حالت بازشناسی هیجان چهره، شنیداری و بدن را در افراد مسن بررسی کردند. افراد مسن مشکلات بیشتری در شناسایی هیجان مثبت (شادی) و منفی (خشم، غم) و حالات شنیداری و بدنی نسبت به جوانان نشان دادند. توانایی «نظریه ذهن» در ک این موضوع که دیگران واجد حالت‌های ذهنی هستند که می‌توانند متفاوت با حالت‌های ذهنی خود فرد یا واقعیت باشد و اینکه انسان به وسیله حالت‌های ذهنی درونی مانند باورهای، امیال یا مقاصد برانگیخته می‌شود (مکائیلی و آدینه، ۱۳۹۱). نجاتی، ناصرپور، ذبیح زاده و رشیدی (۱۳۹۳) در طی بررسی نظریه ذهن و همدلی محکومین دادگاه‌های کیفری با افراد عادی به این نتیجه رسیدند، عملکرد محکومین دادگاه‌های کیفری در آزمون ذهن‌خوانی معناداری پایین‌تری از همتایان عادی آن‌ها داشتند. در پژوهشی توسط درویشی، علی لو، بخشی پور، فرنام و بهرام خانی (۱۳۹۲) بر روی افراد وسوسی- جبری و بهنجار صورت گرفت، افراد مبتلا به وسوسی- جبری نسبت به گروه بهنجار در تکالیف نظریه ذهن عملکرد ضعیف‌تری داشتند. مسئله‌ی پژوهش حاضر این است که آیا افراد با نشانه‌های اختلال شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسوسی در بازشناسی هیجان در ابعاد مختلف و نظریه ذهن با افراد بهنجار تفاوت دارند یا خیر؟ از آنجا یافته‌های برخی از پژوهش‌ها متفاوت است و در ایران نیز مطالعه‌ای با این موضوع صورت نگرفته، لازم است بررسی‌ها در مورد بازشناسی هیجان در ابعاد مختلف صورت گیرد. با اجرای این پژوهش می‌توان پیش‌زمینه‌ای نظری برای طرح شیوه‌های جدید درمانی و مشاوره را

<sup>۱</sup>- Ruffman, Halberstadt, & Murray

آزمون برابر با ۰/۷۸ است.

**آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (بارون-کوهن):** برای سنجش نظریه ذهن از آزمون تجدیدنظر شده ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (بارون-کوهن ۲۰۰۱) استفاده شد. فرم تجدیدنظر شده این آزمون (فرم ۳۶ ماده‌ای) شامل عکس‌هایی از ناحیه چشم هنرپیشه‌های زن و مرد بود. با هر ماده چهار توصیف حالت ذهنی (یک حالت هدف و سه حالت انحرافی با همان ارزش هیجانی) ارائه می‌شد. تنها با استفاده از اطلاعات بینایی از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شد کلمه ایی که بهترین توصیف‌کننده فکر یا احساس صاحب چشم‌ها است را انتخاب کنند. ضریب آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۱۷ و پایایی آن به روش کودر-ریچاردسون ۰/۶۹ به دست آمده است (شکفته و همکاران).

**آزمون بازشناسی هیجان چهره‌ای:** این آزمون شامل ۴۱ عکس سیاه و سفید از هیجانات چهره‌ای است که در سال ۱۹۷۶ به وسیله اکمن و فرایزن (۱۹۷۶) ساخته و جمع‌آوری شده است (موسیان و هادیانفرد، ۱۳۹۲). ضریب پایایی به روش باز آزمایی این آزمون در فاصله یک هفته ۰/۸۵ گزارش شده است. روایی ملاکی هم‌زمان این آزمون با آزمون حافظه وکسلر ۰/۴<sup>۲</sup>، پرسشنامه پردازش اطلاعات ۰/۳۲ و بازداری پاسخ ۰/۲۵ به دست آمد (نجاتی و همکاران، ۱۳۹۲).

**آزمون صدای عاطفی مونترال (MVA):** آزمون صدای عاطفی مونترال ۹۰ ابراز عاطفی غیرکلامی<sup>۳</sup> که شامل هشت هیجان خشم، تنفر، ترس، درد، غم، حیرت، شادی و لذت (بعلاوه خشی) است. این آزمون توسط صدای ۱۰ بازیگر متفاوت (۵ زن و ۵ مرد) و بر اساس

شد که در سه گروه ۳۰ نفری اختلال شخصیت ضداجتماعی و اختلال شخصیت وسوسی و عادی جای گرفتند. پیش از اجرا به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، در مورد پژوهش توضیحاتی برای شرکت‌کنندگان ارائه شد و از آن‌ها رضایت آگاهانه اخذ گردید. به طور معمول اجرای آزمون‌ها در ساعت ۸-۱۲ صبح و ۱ تا ۵ بعد از ظهر در سه روز به صورت متواالی انجام شد؛ و برای هر آزمودنی حدود ۱ ساعت زمان در هر جلسه، برای اجرای آزمون‌ها صرف شد، در این پژوهش در روز اول آزمون‌ها صدای عاطفی مونترال به همراه بخش بازشناسی حرکات بدن حالت یکپارچه نور. روز دوم، آزمون نظریه ذهن و حرکات بدن قطعه نور. روز سوم، آزمون بازشناسی هیجان چهره و حرکات بدن نقطه نور اجرا شد. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

## ابزار

پرسشنامه چند محوری بالینی میلیون<sup>۳</sup>: پرسشنامه چند محوری بالینی میلیون ۳ یک پرسشنامه خود سنجی استاندارد شده است که دامنه گستره‌ای از اطلاعات مربوط به شخصیت، سازگاری هیجانی و نگرش مراجع به آزمون را می‌سنجد. این پرسشنامه برای بزرگسالان ۱۸ سال و بالاتر که دست کم توانایی خواندن آنان تا سطح کلاس هشتم است طراحی شده است. نسخه سه میلیون ۱۷۵ سؤال در ۲۸ مقیاس جداگانه داشته و برای اندازه‌گیری میزان پایایی میلیون و همکارانش (۱۹۹۴؛ به نقل از آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۹) نشان دادند که درمجموع میزان پایایی

<sup>۲</sup>- The Montreal Affective Voices task

<sup>۳</sup>- Brust

<sup>۱</sup>- Millon Clinical Multiaxial Inventory (MCMI-III)

و تحلیل داده‌ها نمرات ۸ آزمودنی به علت کامل نکردن آزمون‌ها از این تعداد حذف شدند. بدین ترتیب ۲۷ نفر اختلال شخصیت ضداجتماعی،<sup>۲۶</sup> ۲۶ نفر اختلال شخصیت وسوسی و ۲۹ نفر بهنجار در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره) استفاده شد. در این بخش ابتدا در جدول زیر میانگین و انحراف معیار در سه گروه در بازشناسی هیجان صوت آورده شده است.

میزان رتبه‌بندی ارزش<sup>۱</sup>، برانگیختگی<sup>۲</sup> و شدت<sup>۳</sup> هیجان صدا<sup>۴</sup> شرکت‌کننده جمع‌آوری شده است (بلین، فیلیون-بیلودو و گوسلین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸،<sup>۶</sup>) در پژوهشی که توسط کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسوزرا و اوکوبو<sup>۷</sup> (۲۰۱۳)<sup>۸</sup> صورت گرفت آلفای کرونباخ این آزمون برابر با ۰/۹۴ به دست آمد.

در ک ابراز ایستا و پویا هیجان بدن توسط نمایش محرك‌های نقطه نور، قطعه نور و یکپارچه نور<sup>۹</sup> این آزمون شامل فیلم‌ها و تصاویر است که در سال ۲۰۰۴ توسط اتکینسون، دیتریچ، جمل و یونگ<sup>۱۰</sup> ساخته شده است. این داده‌ها ۵ حالت هیجانی غم، شادی، ترس، تنفس و خشم را که توسط ۱۰ بازیگر بین سنین ۱۸ تا ۲۲ سال در ۳ سطح معمولی، مبالغه‌آمیز<sup>۱۱</sup> و بسیار مبالغه‌آمیز با چهره پوشیده، در دو مجموعه یکسان نقاط (قطعه) نورانی و یکپارچه نورانی ایجاد شد. اتکینسون و همکاران در سال (۲۰۰۹) فیلم‌های نقطه نورانی و تعدادی حالت خنثی (به عنوان مثال: خم شدن، جهش، ضربه زدن) را به مجموعه خود اضافه کردند. در این پژوهش برای صحبت بازشناسی حرکات بدن، از ۶۰ فیلم یکپارچه نورانی و ۶۰ فیلم قطعه نورانی و ۶۰ فیلم نقطه نورانی استفاده شد. آلفای کرونباخ این آزمون در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۹ به دست آمد.

## یافته‌ها

کل نمونه مورد مطالعه ۹۰ نفر بود؛ که هنگام تجزیه

<sup>۱</sup>- Valence

<sup>۲</sup>- Arousal

<sup>۳</sup>- Intensity

<sup>۴</sup>- Belin, Fillion-Bilodeau, & Gosselin

<sup>۵</sup>- Koeda, Belin, Hama, Masuda, Matsuura and Okubo

<sup>۶</sup>- Emotion perception from dynamic and static body expressions in point-light and full-light displays

<sup>۷</sup>- Atkinson, Dittrich, Gemmell, & Young

<sup>۸</sup>- Exaggeration

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار بازناسی هیجان صوت در سه گروه									
هیجان	حالت	گروه	هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف	هیجان	حالت
خشم	شدت هیجان	ضداجتماعی	شدت هیجان	درد	درب	۱۵/۴۳	۵۷/۴۶	شدت هیجان	ضداجتماعی
	۲۱/۴۲	۶۵/۷۷	وسواسی						
	۱۶/۵۶	۶۷/۷۳	عادی						
	۱۱/۲۸	۲۲/۹۵	ارزش هیجان						
	۱۷/۵۷	۲۰/۸۵	وسواسی						
	۱۴/۹۴	۲۳/۵۷	عادی						
	۲۱/۲۹	۳۴/۶۰	برانگیختگی						
	۲۵/۶۲	۴۸/۶۴	وسواسی						
	۲۲/۲۹	۴۶/۶۷	عادی						
شادی	شدت هیجان	ضداجتماعی	شدت هیجان	خشی	خشی	۱۳/۰۹	۷۲/۴۸	شدت هیجان	ضداجتماعی
	۱۶/۵۳	۶۹/۰۱	وسواسی						
	۲۱/۹۷	۶۶/۳۴	عادی						
	۱۱/۸۵	۷۲/۶۵	ارزش هیجان						
	۱۶/۳۸	۷۰/۸۲	وسواسی						
	۱۴/۹۰	۷۰/۲۶	عادی						
	۲۲/۲۳	۵۷/۲۳	برانگیختگی						
	۱۹/۷۷	۵۹/۵۲	وسواسی						
	۲۱/۲۹	۵۸/۹۵	عادی						
غم	شدت هیجان	ضداجتماعی	شدت هیجان	تعجب	تعجب	۱۳/۸۱	۶۵/۱۷	شدت هیجان	ضداجتماعی
	۲۱/۲۲	۶۷/۲۱	وسواسی						
	۱۲/۸۶	۷۳/۱۱	عادی						
	۱۲/۲۰	۲۲/۹۳	ارزش هیجان						
	۲۰/۰۴	۲۰/۰۴	وسواسی						
	۲۳/۷۵	۲۳/۷۵	عادی						
	۲۰/۹۷	۴۶/۶۵	برانگیختگی						
	۲۳/۷۸	۵۲/۹۷	وسواسی						
	۱۹/۳۲	۵۷/۱۰	عادی						
نفر	شدت هیجان	ضداجتماعی	شدت هیجان	ترس	ترس	۱۸/۴۹	۴۹/۲۷	شدت هیجان	ضداجتماعی
	۲۳/۹۸	۵۱/۷۴	وسواسی						
	۱۹/۹۳	۶۰/۹۰	عادی						
	۱۱/۶۸	۲۲/۶۱	ارزش هیجان						
	۱۴/۱۶	۱۹/۳۷	وسواسی						
	۱۵/۲۰	۲۵/۸۲	عادی						
	۱۸/۷۴	۳۳/۹۲	برانگیختگی						

۲۳/۵۹	۴۷/۸۳	وسواسی	هیجان	۲۳/۸۸	۳۷/۵۰	وسواسی	هیجان
۱۸/۵۲	۵۰/۸۱	عادی		۱۹/۷۱	۴۰/۵۵	عادی	
۲۱/۹۶	۳۳/۹۵	ضداجتمعاً	برانگیختگی	۲۰/۱۴	۴۴/۴۲	ضداجتمعاً	لذت شدت هیجان
۲۷/۶۸	۳۷/۷۶	وسواسی	هیجان	۲۸/۸۴	۵۰/۸۴	وسواسی	
۲۴/۰۳	۳۹/۶۰	عادی		۲۴/۵۱	۵۲/۱۶	عادی	
			لذت				ارزش هیجان
				۲۱/۰۰	۴۷/۱۰	ضداجتمعاً	
				۲۷/۹۹	۴۲/۹۰	وسواسی	
				۲۴/۱۹	۴۸/۴۴	عادی	

شدت و ارزش هیجان خشم بالاترین میانگین شدت و ارزش هیجان خشم بالاترین میانگین (۲۳/۵۷) (۶۷/۷۳) متعلق به گروه عادی و در برانگیختگی (۴۸/۶۴) متعلق به شخصیت وسوسی است. ادامه در جدول ۱-ارائه شده است. در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی انواع بازشناسی هیجان تن در سه حالت یکپارچه نورانی، قطعه نورانی، نقطه نورانی در سه گروه شخصیت صداجتمعاً و شخصیت وسوسی و عادی آورده شده است.

همان گونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، بالاترین میانگین در انواع بازشناسی هیجان در حالت صوت در سه مؤلفه شدت، برانگیختگی و ارزش در سه گروه شخصیت صداجتمعاً و شخصیت وسوسی و عادی به ترتیب در هیجان ترس و خشی بالاترین میانگین در مؤلفه شدت و برانگیختگی (۶۷/۵۳) (۵۰/۸۱)، (۲۳/۲۷) (۵۰/۷۷) متعلق به گروه عادی و در مؤلفه ارزش (۲۸/۱۸)، (۳۱/۸۵) به اختلال شخصیت صداجتمعاً تعلق دارد. در مؤلفه‌ی

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار بازشناسی هیجان تن در سه گروه

هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف	هیجان	حالت	گروه	میانگین	انحراف
معیار									
۲/۲۵	۶/۷۳	ضداجتمعاً	یکپارچه نورانی	خشی	۲/۲۳	۷/۳۰	ضداجتمعاً	یکپارچه نورانی	خشم
۲/۶۵	۵/۷۳	وسواسی			۱/۴۹	۷/۲۰	وسواسی		
۲/۹۶	۶/۰۳	عادی			۱/۵۴	۷/۱۳	عادی		
۲/۷۶	۵/۸۶	ضداجتمعاً			۱/۵۹	۷/۷۳	ضداجتمعاً	قطعه نورانی	قطعه نورانی
۲/۶۴	۶/۱۶	وسواسی	قطعه نورانی		۱/۶۷	۷/۴۶	وسواسی		
۳/۰۹	۶/۵۳	عادی			۱/۸۱	۷/۵۱	عادی		
۲/۷۰	۶/۰۳	ضداجتمعاً			۱/۷۵	۷/۵۰	ضداجتمعاً	قطعه نورانی	قطعه نورانی
۲/۷۴	۶/۰۳	وسواسی	قطعه نورانی		۲/۰۰	۶/۶۳	وسواسی		
۲/۴۷	۶/۵۶	عادی			۱/۸۵	۷/۳۰	عادی		
۱/۳۵	۸/۵۶	ضداجتمعاً			۱/۲۹	۹/۰۳	ضداجتمعاً	یکپارچه نورانی	شادی
۱/۵۱	۸/۱۶	وسواسی	یکپارچه نورانی		۱/۵۴	۸/۴۳	وسواسی		
۱/۹۳	۷/۹۰	عادی			۱/۵۳	۸/۱۰	عادی		
۱/۰۹	۸/۹۶	ضداجتمعاً			۰/۹۶	۸/۹۶	ضداجتمعاً	قطعه نورانی	
۱/۴۲	۸/۶۰	وسواسی	قطعه نورانی		۱/۶۲	۸/۶۶	وسواسی		
۲/۴۰	۷/۷۳	عادی			۱/۷۲	۷/۸۳	عادی		

۱/۷۱	۸/۱۳	ضداجتماعی	نقطه نورانی	۰/۸۰۸	۹/۳۶	ضداجتماعی	نقطه نورانی
۱/۶۸	۸/۲۶	وسواسی		۱/۲۲	۸/۹۳	وسواسی	
۲/۱۷	۷/۲۳	عادی		۱/۴۲	۸/۰۳	عادی	
۲/۱۵	۵/۳۰	ضداجتماعی	یکپارچه نورانی	۱/۱۹	۷/۵۶	ضداجتماعی	یکپارچه نورانی
۲/۶۱	۵/۲۰	وسواسی	تنفر	۱/۵۸	۷/۳۳	وسواسی	
۲/۰۰	۵/۳۰	عادی		۱/۹۰	۶/۸۰	عادی	
۲/۱۲	۶/۲۳	ضداجتماعی	قطعه نورانی	۱/۶۵	۷/۸۶	ضداجتماعی	قطعه نورانی
۲/۶۷	۵/۲۶	وسواسی		۱/۳۶	۷/۹۳	وسواسی	
۲/۸۲	۶/۲۳	عادی		۲/۰۳۹	۷/۴۳	عادی	
۲/۳۲	۵/۴۰	ضداجتماعی	نقطه نورانی	۱/۶۴	۷/۱۶	ضداجتماعی	نقطه نورانی
۲/۴۰	۵/۳۰	وسواسی		۱/۹۸	۷/۱۶	وسواسی	
۲/۲۴	۶/۰۶	عادی		۲/۰۶	۶/۴۰	عادی	

جدول ۲ ارائه شده است. در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی انواع بازشناسی هیجان‌های چهره، در سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسواسی و عادی آورده شده است.

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد در هیجان خشم در هر سه حالت یکپارچه نورانی (۷/۳۰)، قطعه نورانی (۷/۷۳) نقطه نورانی (۷/۵۰)، بالاترین میانگین متعلق به گروه شخصیت ضداجتماعی است. ادامه در

جدول ۳ میانگین و انحراف معیار بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره در سه گروه

متغیر	هیجان خشم	هیجان توس	هیجان غم	هیجان تنفر	هیجان شادی	هیجان تعجب
میانگین انحراف استاندارد	۴/۳۶ ۴/۲۶ ۴/۸۳	۴/۲۶ ۴/۳۰ ۴/۴۰	۵/۸۰ ۵/۶۰ ۵/۶۶	۵/۴۰ ۵/۲۶ ۵/۶۳	۵/۹۶ ۵/۹۳ ۵/۹۳	۵/۶۰ ۵/۷۰
گروه	شخصیت ضداجتماعی اختلال شخصیت وسواسی عادی	اختلال شخصیت ضداجتماعی اختلال شخصیت وسواسی عادی				
انحراف						

۰/۳۷	۵/۸۳	عادی	هیجان خنثی
۰/۸۵	۵/۳۶	اختلال شخصیت ضداجتماعی	
۱/۴۷	۵/۱۳	اختلال شخصیت وسوسی	
۰/۸۹	۵/۰۳	عادی	

لوین) و همگنی ماتریس کوواریانس‌ها (ام باکس) موردنبررسی قرار گرفت. در آزمون لوین پیش فرض‌ها تائید شد. در پیش‌فرض آماره‌ی ام. باکس متغیر بازشناسی هیجان صوت برابر با  $2475/85$ ، مقدار اماره  $f$  برابر  $3/083$ ، سطح معناداری نیز برابر  $0/0001$  به دست آمد. در پیش‌فرض آماره‌ی ام. باکس بازشناسی هیجان تن برابر با  $1/729$ ، مقدار اماره  $f$  برابر  $844/644$ ، سطح معناداری نیز برابر  $0/0001$  به دست آمد. در پیش‌فرض آماره‌ی ام. باکس بازشناسی هیجان چهره برابر با  $197/275$ ، مقدار اماره  $f$  برابر  $115/3$ ، سطح معناداری نیز برابر  $0/0001$  به دست آمد. در جدول ۴ تحلیل چند متغیره سه گروه در بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره ارائه شده است.

همان گونه که در جدول ۳ نشان می‌دهد در مؤلفه‌ی بازشناسی هیجان چهره خشم بالاترین میانگین ( $4/83$ ) مربوط به گروه عادی است. در مؤلفه بازشناسی هیجان چهره ترس بالاترین میانگین ( $3/40$ ) مربوط به گروه شخصیت وسوسی است. در مؤلفه‌ی بازشناسی هیجان چهره غم بالاترین میانگین ( $5/80$ ) مربوط به گروه شخصیت ضداجتماعی است. ادامه در جدول ۳ ارائه شده است. در شاخص توصیفی نظریه ذهن در سه گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسوسی و عادی بالاترین میانگین ( $21/63$ ) متعلق به گروه شخصیت ضداجتماعی بود.

پیش از ارائه نتایج تحلیل واریانس چند متغیره پیش‌فرض‌های مربوطه، شامل همگنی واریانس‌ها (آزمون

جدول ۴ تحلیل چند متغیره سه گروه در بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره

بازشناسی هیجان	اثر	مقدار	آماره $f$	سطح معناداری	توان آماری	اثر پیلایی
		$0/738$	$1/675$	$0/014$	$0/997$	

جدول ۵ تحلیل واریانس تک متغیره بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره در سه گروه

براساس نتایج آزمون تحلیل چند متغیره که در جدول ۴ آمده است. حداقل در یکی از مؤلفه‌های بازشناسی هیجان بین گروه‌های پژوهش تفاوت معنادار وجود دارد. در

جدول ۵ تحلیل واریانس تک متغیره بازشناسی هیجان صوت، تن و چهره در سه گروه

متغیر وابسته	شدت خشم
مجموع مجذورات آزادی	$1726/345$
میانگین مجذورات آزادی	$863/174$

  

متغیر وابسته	ارزش خشم
ارزش خشم	$26263/001$

برانگیختگی خشم	شدت شادی	ارژش شادی	برانگیختگی شادی	شدت ترس	ارژش ترس	برانگیختگی ترس	شدت درد	ارژش درد	برانگیختگی درد	شدت تنفس	ارژش تنفس	برانگیختگی تنفس	شدت غم	ارژش غم	برانگیختگی غم	شدت تعجب	ارژش تعجب	برانگیختگی تعجب		
۱۸۱۸۹/۱۳۵	۳۷۷۵/۶۷۸	۴۲۸۳۹/۴۱۶	۲۴۳۴۷/۲۳۵	۴۰۳/۹۷۱	۱۲۱۷/۹۰۷	۲۹۳/۳۴۰	۶۰۸/۹۵۴	۱۸۸۷/۸۳۹	۵۱۶/۱۳۸	۲	۸۳	۲۱۹/۱۴۶	۳/۶۵۸	۰/۰۳۰*	۰/۶۵۹	۰/۰۳۰*	۰/۶۵۹	برانگیختگی خشم		
۲۴۳۵۰/۷۶۵	۲۵۱/۶۶۴	۲۰۹۵۷/۰۸۵	۲۰۹۵۷/۰۸۵	۸۱/۰۰۳	۲	۸۳	۱۲۵/۸۳۲	۴۱۳/۸۶۵	۲۵۲/۴۹۵	۴۰/۰۱۰	۰/۱۶۰	۰/۸۵۲	۰/۷۳۹	۰/۰۹۷	۰/۲۳۰	۰/۰۳۵۱	۱/۰۵۹	شدت شادی		
۱۶۸۸۴/۷۴۶	۱۰۵/۸۷۷	۲۰۳/۴۳۱	۱۰۵/۸۷۷	۸۳	۲	۸۳	۵۲۸/۹۳۸	۲۰۳/۴۳۱	۵۲۸/۹۳۸	۰/۰۸۰	۲/۶۰۰	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	۰/۲۳۰	۰/۰۳۵۱	۱/۰۵۹	برانگیختگی شادی
۳۵۴۴۴/۵۴۲	۸/۲۰۷	۸۱/۰۰۳	۸۱/۰۰۳	۲۵۱/۶۶۴	۲	۸۳	۴۱۳/۸۶۵	۲۵۲/۴۹۵	۴۰/۰۱۰	۰/۱۶۰	۰/۸۵۲	۰/۷۳۹	۰/۰۹۷	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	۰/۲۳۰	۰/۰۳۵۱	۱/۰۵۹	برانگیختگی شادی
۲۵۳۲۰/۲۸۹	۵۶۴/۴۵۴	۵۶۳/۲۴۹	۵۶۳/۲۴۹	۲۰۹۵۷/۰۸۵	۲	۸۳	۳۰۵/۰۶۴	۲۸۲/۲۲۷	۲۸۲/۲۲۷	۰/۰۴۱	۰/۹۲۵	۰/۰۴۰	۰/۲۰۵	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۱۸۲۳۹/۹۳۲	۳۱۰/۴۲۵	۳۱۰/۴۲۵	۳۱۰/۴۲۵	۲۱۹/۷۵۸	۲	۸۳	۱۵۵/۲۱۲	۲۱۹/۷۵۸	۱۵۵/۲۱۲	۰/۰۴۹۶	۰/۷۰۶	۰/۰۴۹۶	۰/۱۶۹	۰/۰۷۴	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۲۹۵۲۵/۸۶۷	۵۶۳/۲۴۹	۲۹۵۲۵/۸۶۷	۲۹۵۲۵/۸۶۷	۳۵۵/۷۳۳	۲	۸۳	۲۸۱/۶۲۵	۳۵۵/۷۳۳	۲۸۱/۶۲۵	۰/۰۴۵۶	۰/۷۹۲	۰/۰۴۵۶	۰/۱۸۱	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۳۳۱۱۷/۵۶۹	۱۲۱۲/۱۷۱	۱۲۱۲/۱۷۱	۱۲۱۲/۱۷۱	۳۹۹/۰۰۷	۲	۸۳	۶۰۶/۳۵۹	۳۹۹/۰۰۷	۶۰۶/۳۵۹	۰/۰۲۲۵	۱/۰۵۲۰	۰/۰۳۱۵	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۱۴۵۱۴/۰۶۹	۳۷۱/۱۳۵	۳۷۱/۱۳۵	۳۷۱/۱۳۵	۱۷۴/۸۶۸	۲	۸۳	۱۸۵/۵۶۹	۱۷۴/۸۶۸	۱۸۵/۵۶۹	۰/۰۳۵۱	۱/۰۶۱	۰/۰۲۳۰	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۳۴۰۵۹/۴۵۸	۲۳۴/۵۲۰	۲۳۴/۵۲۰	۲۳۴/۵۲۰	۴۱۰/۳۵۵	۲	۸۳	۱۱۷/۲۶۰	۴۱۰/۳۵۵	۱۱۷/۲۶۰	۰/۰۷۵۲	۰/۲۸۶	۰/۰۹۴	۰/۰۹۴	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۲۰۳۲۴/۳۱۴	۷۷۲/۲۷۳	۷۷۲/۲۷۳	۷۷۲/۲۷۳	۲۴۴/۸۷۱	۲	۸۳	۳۸۶/۱۳۷	۲۴۴/۸۷۱	۳۸۶/۱۳۷	۰/۰۲۱۳	۱/۰۵۷۷	۰/۳۲۶	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۱۹۳۵۵/۹۴۹	۲۶۷/۶۱۱	۲۶۷/۶۱۱	۲۶۷/۶۱۱	۲۲۳/۲۰۴	۲	۸۳	۱۳۳/۸۰۶	۲۲۳/۲۰۴	۱۳۳/۸۰۶	۰/۰۵۶۶	۰/۰۵۷۴	۰/۱۴۲	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۳۷۲۲۲/۳۹۰	۱۰۶۵/۶۱۷	۱۰۶۵/۶۱۷	۱۰۶۵/۶۱۷	۴۴۸/۴۶۳	۲	۸۳	۵۳۲/۸۰۹	۴۴۸/۴۶۳	۵۳۲/۸۰۹	۰/۰۳۱۰	۱/۰۱۸۸	۰/۲۵۴	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۵۸۸۱۷/۶۸۱	۸۷۰/۴۹۰	۸۷۰/۴۹۰	۸۷۰/۴۹۰	۷۰۸/۶۴۷	۲	۸۳	۲۴۵/۴۳۵	۷۰۸/۶۴۷	۲۴۵/۴۳۵	۰/۰۷۰۸	۰/۰۳۴۶	۰/۱۰۴	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۴۴۲۸۸/۷۵۴	۱۳۲۰/۵۱۲	۱۳۲۰/۵۱۲	۱۳۲۰/۵۱۲	۵۳۳/۵۹۹	۲	۸۳	۶۶۰/۲۵۶	۵۳۳/۵۹۹	۶۶۰/۲۵۶	۰/۰۲۹۵	۱/۰۲۳۷	۰/۲۶۳	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی
۲۱۰/۱۵۶	۲۱۰/۱۵۶	۲۱۰/۱۵۶	۲۱۰/۱۵۶	۱۰۵/۰۹۸	۲	۸۳	۰/۸۲۹	۰/۱۸۸	۰/۱۰۵	۰/۰۷۸	۰/۰۸۲۹	۰/۰۷۸	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	۰/۰۹۷	برانگیختگی شادی

			۵۵۸/۶۰۱	۸۳	۴۶۳۶۳/۸۶۳	
۰/۲۵۰	۰/۳۱۶	۱/۱۶۸	۶۳۸/۵۷۱	۲	۱۲۷۷/۱۴۱	شدت لذت
			۵۴۶/۹۳۴	۸۳	۴۵۳۹۵/۵۰۵	
۰/۲۰۷	۰/۳۹۷	۰/۹۲۳	۵۳۹/۷۹۴	۲	۱۰۷۹/۵۸۸	ارزش لذت
			۵۷۸/۳۴۳	۸۳	۴۸۰۰۲/۴۶۲	
۰/۶۶	۰/۸۹۷	۰/۱۰۹	۶۴/۸۰۲	۲	۱۲۹/۶۰۴	برانگیختگی لذت
			۵۹۲/۵۴۱	۸۳	۴۹۱۸۰/۸۸۵	
۰/۶۱۵	۰/۰۴۱*	۳/۳۲۶	۲۴۴۳/۴۶۴	۲	۴۸۸۶/۹۲۸	شدت خنثی
			۷۳۴/۳۶۳	۸۳	۶۰۹۵۲/۱۷۰	
۰/۳۷۰	۰/۱۶۹	۱/۸۱۸	۶۹۶/۰۵۹	۲	۱۳۹۲/۱۱۸	ارزش خنثی
			۳۸۲/۹۲۲	۸۳	۳۱۷۸۲/۴۹۵	
۰/۱۰۹	۰/۶۸۷	۰/۳۷۸	۱۶۶/۴۲۱	۲	۳۳۲/۸۴۱	برانگیختگی خنثی
			۴۴۰/۵۳۰	۸۳	۳۶۵۶۳/۹۶۶	
۰/۱۰۱	۰/۷۱۹	۰/۳۳۲	۰/۹۳۶	۲	۱/۸۷۲	خشم یکپارچه نورانی
			۲/۸۲۰	۸۳	۲۲۴/۰۷۶	
۰/۱۶۳	۰/۵۰۴	۰/۶۹۰	۱/۸۰۳	۲	۳/۶۰۶	توس یکپارچه نورانی
			۲/۶۱۲	۸۳	۲۱۶/۷۶۸	
۰/۲۳۸	۰/۳۳۶	۱/۱۰۵	۲/۷۳۵	۲	۵/۴۷۰	غم یکپارچه نورانی
			۲/۴۷۴	۸۳	۲۰۵/۳۳۱	
۰/۵۴۰	۰/۰۶۵	۲/۸۲۱	۶/۲۷۶	۲	۱۲/۵۵۲	شادی یکپارچه نورانی
			۲/۲۲۵	۸۳	۱۸۴/۶۵۵	
۰/۰۵۲	۰/۹۸۴	۰/۰۱۶	۰/۰۸۸	۲	۰/۱۷۶	تنفر یکپارچه نورانی
			۵/۳۶۲	۸۳	۴۴۵/۰۶۹	
۰/۲۳۵	۰/۳۴۲	۱/۰۸۶	۷/۵۸۱	۲	۱۵/۱۶۲	خنثی یکپارچه نورانی
			۶/۹۷۹	۸۳	۵۷۹/۲۵۴	
۰/۱۱۳	۰/۶۶۹	۰/۴۰۳	۱/۳۱۵	۲	۲/۶۳۱	خشم قطعه نورانی
			۳/۲۶۲	۸۳	۲۷۰/۷۱۶	
۰/۵۴۵	۰/۰۶۳	۲/۸۳۵	۸/۵۶۴	۲	۱۷/۱۲۷	توس قطعه نورانی
			۳/۰۰۱	۸۳	۲۴۹/۰۹۳	
۰/۲۵۲	۰/۳۱۲	۱/۱۸۱	۲/۶۱۷	۲	۵/۲۳۴	غم قطعه نورانی
			۲/۲۱۵	۸۳	۱۸۳/۸۷۸	
۰/۸۵۷	۰/۰۰۴*	۵/۷۷۹	۱۲/۲۲۸	۲	۲۴/۴۵۷	شادی قطعه نورانی
			۲/۱۱۶	۸۳	۱۷۵/۶۳۶	
۰/۳۴۸	۰/۱۸۹	۱/۶۹۸	۱۱/۰۵۶	۲	۲۲/۱۱۳	تنفر قطعه نورانی
			۶/۵۱۲	۸۳	۵۴۰/۴۵۶	
۰/۲۰۴	۰/۴۰۲	۰/۹۲۱	۷/۴۱۶	۲	۱۴/۸۳۲	خنثی قطعه نورانی
			۸/۰۵۴	۸۳	۶۶۸/۴۵۹	
۰/۳۴۳	۰/۱۹۴	۱/۶۷۴	۵/۹۵۴	۲	۱۱/۹۰۸	خشم نقطه نورانی

								توس نقطه نورانی
۰/۲۶۵	۰/۲۹۲	۱/۲۴۸	۴/۲۵۲	۲	۸/۵۰۳	۲۹۵/۱۸۸		
			۳/۴۰۶	۸۳	۲۸۲/۶۶۴			
۰/۳۳۳	۰/۲۰۵	۱/۶۱۶	۵/۴۷۹	۲	۱۰/۹۵۸	۲۸۱/۳۵۴	غم نقطه نورانی	
			۳/۳۹۰	۸۳				
۰/۹۸۹	۰/۰۰۱°	۱۰/۹۰۸	۱۴/۵۱۰	۲	۲۹/۰۲۰	۱۱۰/۴۰۳	شادی نقطه نورانی	
			۱/۳۳۰	۸۳				
۰/۳۰۹	۰/۲۲۲	۱/۴۸۹	۷/۸۹۵	۲	۱۵/۷۹۰	۴۴۰/۰۳۱	تنفر نقطه نورانی	
			۵/۳۰۲	۸۳				
۰/۱۸۲	۰/۴۵۳	۰/۷۹۹	۵/۷۰۷	۲	۱۱/۴۱۴	۵۹۲/۵۰۷	خشنی نقطه نورانی	
			۷/۱۳۹	۸۳				
۰/۳۹۰	۰/۱۵۲	۱/۹۲۹	۲/۸۱۳	۲	۵/۶۲۶	۱۲۱/۰۶۸	بازشناسی هیجان چهره خشم	
			۱/۴۵۹	۸۳				
۰/۰۸۴	۰/۷۹۸	۰/۲۲۷	۰/۴۰۴	۲	۰/۸۰۹	۱۴۸/۱۲۳	بازشناسی هیجان چهره ترس	
			۱/۷۸۵	۸۳				
۰/۱۷۸	۰/۴۶۳	۰/۷۷۶	۰/۲۳۸	۲	۰/۴۷۶	۲۵/۴۶۱	بازشناسی هیجان چهره غم	
			۰/۳۰۷	۸۳				
۰/۳۲۳	۰/۲۱۶	۱/۵۶۳	۱/۱۰۹	۲	۲/۲۱۸	۵۸/۸۶۶	بازشناسی هیجان چهره تنفر	
			۰/۷۰۹	۸۳				
۰/۱۱۸	۰/۶۵۰	۰/۴۳۴	۰/۰۳۱	۲	۰/۰۶۳	۶/۰۰۷	بازشناسی هیجان چهره شادی	
			۰/۰۷۲	۸۳				
۰/۱۶۶	۰/۴۹۴	۰/۷۱۱	۰/۴۲۱	۲	۰/۸۴۲	۴۹/۱۶۸	بازشناسی هیجان چهره تعجب	
			۰/۰۵۹۲	۸۳				
۰/۱۵۰	۰/۵۴۳	۰/۶۱۵	۰/۷۶۵	۲	۱/۵۳۰	۱۰۳/۲۲۸	بازشناسی هیجان چهره خشنی	
			۱/۲۴۴	۸۳				

مؤلفه‌های توانایی بازشناسی هیجان تن فقط مؤلفه‌های قطعه نورانی، نقطه نورانی شادی معنادار شده است که به ترتیب ۸۵ درصد و ۹۸ درصد از واریانس‌ها گروه‌ها را تبیین می‌کنند. در جدول ۶ نتایج مقایسه زوجی سه گروه در بازشناسی هیجان صوت و تن ارائه شده است.

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود با اجرای تحلیل واریانس تک متغیره از بین مؤلفه‌های توانایی بازشناسی هیجان صوت فقط مؤلفه‌های برانگیختگی خشم و شدت خشنی معنادار شده است که به ترتیب ۶۵ درصد و ۶۱ درصد از واریانس‌ها گروه‌ها را تبیین می‌کنند. از بین

جدول ۶ نتایج مقایسه زوجی سه گروه در بازشناسی هیجان صوت و تن

بازشناسی هیجان	متغیر وابسته	گروه (I)	گروه (J)	تفاوت خطای سطح	استاندارد معنی‌داری	میانگین	معنی‌داری	امتیازدهی برانگیختگی خشم
۰/۰۲۸	۵/۹۸۹	-۱۵/۹۴۸	وسواسی	ضد				

صوت	اجتماعی	عادی	-۱۰/۴۴۵	۶/۱۱۰	۰/۲۷۳
امتیازدهی شدت خشی	وسواسی	عادی	۵/۵۰۳	۶/۱۳۲	۱/۱۰۰
ضد	وسواسی	وسواسی	۳/۵۴۱	۷/۱۴۴	۱/۱۰۰
اجتماعی	عادی	عادی	-۱۴/۳۶۳	۷/۲۸۸	۰/۱۵۶
شادی حالت قطعه نورانی تن	وسواسی	عادی	-۱۷/۹۰۵	۷/۳۱۵	۰/۰۴۹
ضداجتماعی	وسواسی	وسواسی	۰/۳۸۳	۰/۳۸۴	۰/۹۶۱
عادی	عادی	عادی	۱/۳۰۱	۰/۳۹۱	۰/۰۰۴
شادی حالت نقطه نورانی	وسواسی	عادی	۰/۹۱۸	۰/۳۹۳	۰/۰۶۶
ضد	وسواسی	وسواسی	۰/۵۴۶	۰/۳۰۴	۰/۲۲۹
اجتماعی	عادی	عادی	۱/۴۳۹	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰۱
	وسواسی	عادی	۰/۸۹۴	۰/۳۱۱	۰/۰۱۶

وسواسی و عادی بود. در این پژوهش تفاوتی در صحت بازشناسی هیجان صوت مشاهده نشد؛ اما گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسوسی در امتیازدهی<sup>۱</sup> برانگیختگی هیجان خشم باهم متفاوت بودند به طوری که گروه شخصیت ضداجتماعی در امتیازدهی برانگیختگی هیجان خشم امتیاز کمتری نسبت به گروه شخصیت وسوسی به این مؤلفه دادند. بروک و کوسن<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در بررسی پردازش هیجان افراد با ویژگی‌های جامعه‌ستیز، ناهنجاری‌هایی در تفسیر رفتاری، روانی- فیزیولوژیکی و فعالیت مناطق مغزی در هنگام پردازش هیجان‌ها مشاهده کردند؛ اما جامعه‌ستیزها در مقایسه با گروه کنترل در امتیازدهی برانگیختگی خود، شدت و ارزش محرك ارائه شده تفاوتی نداشت. در تبیین به تفاوت بازشناسی هیجان صوتی (تنها در خشم) در اختلال شخصیت ضداجتماعی می‌توان گفت؛ بر اساس راهنمای

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد در امتیاز دهی برانگیختگی خشم در دو گروه شخصیت ضداجتماعی و شخصیت وسوسی ( $p=0/028$ ) و در امتیازدهی شدت خشمی، دو گروه شخصیت وسوسی و عادی تفاوت معنادار ( $p=0/049$ ) است. در بازشناسی هیجان شادی دو حالت قطعه نورانی ( $p=0/004$ ) و حالت نقطه نورانی ( $p=0/0001$ ) در دو گروه شخصیت ضداجتماعی و عادی تفاوت معنادار است. همچنین در هیجان شادی گروه شخصیت وسوسی و گروه عادی در حالت نقطه نورانی ( $p=0/016$ ) تفاوت معنادار شده است.

## بحث

هدف پژوهش حاضر مقایسه ابعاد بازشناسی هیجان و نظریه ذهن در نمونه‌های غیر بالینی شخصیت ضداجتماعی، شخصیت وسوسی و عادی بود. نتایج پژوهش حاکی از وجود تفاوت در بازشناسی هیجان در روش‌های مختلف در شخصیت ضداجتماعی، شخصیت

<sup>1</sup>- Rating

<sup>2</sup>- Brook & Kosson

فرازین<sup>۷</sup> (۱۹۷۶) از شادی؛ به عنوان بارزترین هیجان در بازشناسی شرکت کنندگان نام برده‌اند. البته با بررسی میانگین‌های دیگر مؤلفه‌های بازشناسی هیجانات تن در سه گروه، اختلال شخصیت ضداجتماعی بالاترین میانگین در صحت بازشناسی هیجانات خشم، شادی (سه حالت)، ترس، تنفس، غم (دو حالت) و خنثی (یک حالت) را نسبت به دو گروه داشت. به نظر می‌رسد این تفاوت مربوط به مرکز ثقل محرك‌های اجتماعی است به عنوان مثال افراد عادی و شخصیت و سوسایی به منظور بازشناسی هیجانات به چهره به عنوان یک منبع اصلی متمرکز می‌شوند؛ اما افراد ضداجتماعی؛ از آنجاکه در تعاملات خود در دو مقوله تدافعی و تهاجمی عکس العمل نشان می‌دهند بررسی وضعیت تنی یا حرکات بدن افراد برای آن‌ها یک نشانه مهم است؛ بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که در نظر گرفتن وضعیت بدنی افراد بیشترین بار اطلاعاتی را برای این اختلال داشته باشد؛ در یک جمعبندی کلی در مورد افراد مبتلا به شخصیت ضداجتماعی و جامعه‌ستیزها می‌توان نتیجه گرفت بدکارکردی آمیگدال و نقص در بازشناسی هیجان‌های ترس و غم بیشترین موارد تائید و اکثر تحقیقات از روش ابراز چهره و سپس از روش صوت برای بازشناسی هیجان استفاده کرده‌اند و از روش تن کمتر استفاده شده است؛ بنابراین در مورد بازشناسی هیجان از روش حرکات بدن به تحقیقات بیشتری در این افراد نیاز است. علیرغم شیوع بالای اختلال شخصیت و سوسایی، توجه پژوهشی کافی به آن نشده است (بلشفیلد و انتوکیا<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰؛ گریو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). نتایج این پژوهش با نتایج داروس، زاکزانیس و رکتور (۲۰۱۴)،

آماری و تشخیصی بیماری‌های روانی این افراد دارای ویژگی‌هایی شامل بی‌توجهی بی‌باکانه نسبت به امنیت خود و دیگران و صفت شخصیتی جسور بودن و فقدان ترس هستند؛ بنابراین صدای خشم تأثیر کمتری بر آن‌ها می‌گذارد. بیگلی، آبراموز و گوسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در مقایسه زندانیان جامعه‌ستیز و زندانیان عادی در بازشناسی هیجان صوت در دو شرایط جنبه معنایی گفتار<sup>۲</sup> و جنبه تن گفتار<sup>۳</sup> به این نتایج رسیدند که جامعه‌ستیزها نقص کلی در دسته‌بندی نشانه‌های معنایی گفتار و نقص خاص در دو هیجان غم و شادی دارند. در بازشناسی هیجان حرکات بدن گروه شخصیت ضداجتماعی و عادی در دو حالت قطعه نورانی و نقطه نورانی هیجان شادی متفاوت بودند؛ به صورتی که شخصیت ضداجتماعی عملکرد بهتری نسبت به گروه عادی داشت. در فرا تحلیلی توسط داول، کرینیا، مکونیا و پالرمو<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) صورت گرفت شواهدی از بازشناسی هیجان چهره، صوت و وضعیتی<sup>۵</sup> در جامعه‌ستیزها باهدف روشن کردن اینکه آیا نقص در بازشناسی هیجانات منحصر به هیجان خاصی است یا فراگیر هستند؟ انجام شد. این فرا تحلیل شواهدی از اختلالات آشکاری در سراسر روش‌ها برای چند هیجان (نه فقط، ترس و غم) در بزرگ‌سالان و نوجوانان مشاهده کرد. در این فرا تحلیل تنها یک پژوهش از روش ژست<sup>۶</sup> بدن در بازشناسی هیجان ترس صورت گرفته بود (مونوز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). در تبیین عملکرد بهتر شناسایی بازشناسی ابراز هیجان تنی (تنها در شادی) در اختلال شخصیت ضداجتماعی؛ می‌توان گفت از جمله گزارش‌های اکمن و

<sup>1</sup>- Bagley, Abramowitz& Kosson

<sup>2</sup>- Semantic speech

<sup>3</sup>- Prosodic speech

<sup>4</sup>- Dawel, O'kearney, McKone & Palermo

<sup>5</sup>- Postural

<sup>6</sup>- Muñoz

<sup>7</sup>- Ekman & Friesen  
<sup>8</sup>- Blashfield & Intoccia  
<sup>9</sup>- Grilo

نشد. خرازی ، مدرس غروی، بهشتی زاده و هاشمیان (۱۳۹۲) در تحقیقی متشكل از نمونه‌های مبتلایان به اختلال وسوسی - جبری، تفاوت مهمی در بازشناسی حالات هیجانی چهره بین افراد مبتلا به اختلال وسوسی - جبری و همتایان بهنگار آن‌ها مشاهده نکردند. در نظریه ذهن تفاوتی بین سه گروه شخصیت صداجتمعاً و شخصیت وسوسی و عادی مشاهده نشد. نتایج پژوهش حاضر در نظریه ذهن با یافته‌های ریچل، میتچل، نیومن، لونارد، بارون - کوهن و بلر<sup>۴</sup> (۲۰۰۲)، نتیج، برستین، برکلن و اسلامات<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) همسو با یافته‌های پروکتور و بیل<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) رعیت معینی، حسن‌آبادی و شعریاف (۱۳۹۳) نا همسو است. در تحقیقی که توسط نتیج، برستین، برکلن و اسلامات (۲۰۱۵) بر روی تأثیر سوگیری خصوصت با کنترل سرعت پردازش خودکار (آهسته و سریع) در آزمون نظریه ذهن چشم‌ها در سه گروه جامعه‌ستیز مجرم، جامعه‌ستیز غیر مجرم و عادی صورت گرفت به این نتیجه رسیدند که افراد جامعه‌ستیز، اگر محدودیت زمانی برای پردازش ذهن‌خوانی چشم نداشته باشند عملکردن با دیگر گروه‌ها تفاوتی نخواهد داشت. رعیت معینی، حسن‌آبادی و شعریاف (۱۳۹۳) در بررسی نظریه ذهن و کنش‌های اجرایی در بیماران مبتلا به اختلال‌های وسوسی - جبری، دوقطبی، اسکیزوفرنی و افراد بهنگار به این نتیجه رسیدند که بیماران وسوسی - جبری، اسکیزوفرنی و دوقطبی نسبت به گروه بهنگار در توانایی‌های نظریه ذهن و کنش‌های اجرایی عملکرد ضعیفی دارند؛ همچنین استنتاج شد که عملکرد ضعیف در تکلیف نظریه ذهن و کنش‌های اجرایی به وجود

کونرایک، بلاری، فلیوپوب، دانا، فویسیا، هسک، بونا، پلکا و وربانکا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) ناهمسو و با یافته‌های خرازی، مدرس غروی، بهشتی زاده و هاشمیان (۱۳۹۱)، هانگ، نمکونگ، کانگ، آروای، اس کک، کیم و کیم<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) و بوزیکاس، کوسمیدیس، جناکو، سایتیس، فوکاس و کاری فال<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) همسو است. بر اساس نتایج مطالعه حاضر دو گروه شخصیت وسوسی و عادی در صحت بازشناسی هیجان صوت تفاوتی نداشتند؛ اما در امتیازدهی شدت خنثی، متفاوت بودند؛ به طوری که افراد شخصیت وسوسی نمره شدت خنثی کمتری نسبت به گروه عادی به این مؤلفه دادند. در تحقیقی توسط بوزیکاس و همکاران (۲۰۰۹) در افراد اختلال وسوسی - جبری در صحت بازشناسی هیجان به روش چهره و صدا با گروه سالم تفاوتی مشاهده نکرد. در تبیین امتیازدهی کمتر شدت خنثی در شخصیت وسوسی نسبت به گروه عادی، بر اساس ملاک‌های راهنمای آماری و تشخیصی بیماری‌های روانی به خاطر ویژگی‌های شخصیتی هیجان پذیری محدود و در جاماندگی که احتمالاً به دلیل تردیدشان در بازشناسی هیجان‌ها است خطر کمتری را می‌پذیرند و در جاماندگی بیشتری دارند، در حالی که گروه عادی به رغم تردیدشان به بازشناسی هیجان مبادرت می‌ورزند. در مطالعه حاضر گروه شخصیت وسوسی عملکرد بهتری در حالت نقطه نورانی هیجان شادی تن نسبت به گروه عادی داشتند به نظرمی رسد افراد مبتلا به اختلال شخصیت وسوسی به علت اشتغال خاطر به جزئیات ، بهتر از گروه عادی بازشناسی کرده‌اند. در بازشناسی هیجان چهره‌ای تفاوتی بین گروه‌ها مشاهده

<sup>۴</sup>- Richell, Mitchell, Newman, Leonard, Baron-Cohen & Blair

<sup>۵</sup>- Nentjes, Arntz, Breukelen, Slaats

<sup>۶</sup>- Proctor & Beail

<sup>۱</sup>- Kornreich, Blairy, Philippot, Dan, Foisy, Hess, Verbanck

<sup>۲</sup>- Jhung, Namkoong, Kang, Ha, R. Y., An, S. K., Kim & Kim,

<sup>۳</sup>- Bozikas, Kosmidis, Giannakou, Saitis, Fokas & Garyfallos

تفاوت‌های فرهنگی، احتمالاً بیشترین مشکل را در رمزگشایی هیجان‌ها، در افراد متعلق به گروه‌های فرهنگی متفاوت، نسبت به فرستنده ایجاد می‌کند. در یک فرا تحلیل، الفبین و آمبادی<sup>۲</sup>؛ به نقل از کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسورا و اوکوبو، ۲۰۱۳) نتیجه گرفتند؛ اگرچه شناسایی هیجان‌ها جهانی است؛ اما شواهدی از برتری بازشناسی هیجان، در داخل گروه وجود دارد. اکثر یافته‌ها حاکی از این است که پژوهش‌ها محدود به ابراز هیجان چهره‌ای و غلبه طولانی نظریه هیجان‌های بنیادی است. تحقیقات آینده، باید هیجانات را از سایر روش‌ها و به صورت طبیعی‌تر بررسی کنند. تا از این طریق، دانش ما در مورد تأثیر چنین اختلالاتی در رفتار اجتماعی واقعی افزایش یابد.

### سپاسگزاری

در پایان از تمامی کسانی که ما را در اجرای هر چه بهتر این پژوهش بخصوص دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد همراهی کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی می‌کنیم.

### References

- Aigner M, Sachs G, Bruckmüller E, Winklbaur B, Zitterl W, Kryspin-Exner I, Katschnig H. (2007). Cognitive and emotion recognition deficits in obsessive-compulsive disorder. *Psychiatry Research*, 149(1-3), 121-128.
- Albert U M G, Forner F, Bogetto F. (2004). DSMIV obsessive-compulsive personality disorder: prevalence in patients with anxiety disorders and in healthy comparison subjects. *Comprehensive Psychiatry*, (45), 325-332.
- Amiri A, Ghasempour A, Fahimi S, Abolghasemi A, Akbari E, Agh A, Fakhari A. (2012). Recognition of Facial Expression of Emotion

<sup>2</sup>-Elfenbein & Ambady

شدت نقايس در توانايی های شناختی اين بيماران مرتبط است.

### نتیجه‌گیری

يافته‌های حاصل از جمعیت بالینی به طور کلی نوعی نقص در بازشناسی هیجان را بیان می‌کند. با این حال، شواهد از نمونه‌های غیر بالینی کمتر قوی است (پرادا، تربی و کرو، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است که نمونه‌های این پژوهش غیر بالینی است درحالی که در پژوهش‌های قبلی از نمونه‌های بالینی استفاده شده است. تبیین دیگر این است که ابزارهای پژوهش حاضر با ابزارهای پژوهش‌های قبلی متفاوت و بر اساس فرهنگ کشورهای دیگر است؛ پژوهشی برای بیان تفاوت بین فرهنگی در بازشناسی هیجان صوت، بین ژاپنی‌ها و کانادایی‌ها صورت گرفت این دو گروه در امتیازدهی شدت و ارزش، در هیجانات غم و شادی تفاوتی نداشتند؛ اما در شدت پایین و ارزش منفی، هیجانات خشم، تنفر و ترس بین این دو گروه تفاوت معنادار بود. همچنین در صدای هیجان لذت، ارزش مثبت، کمتر و شدت هیجان لذت هم کمتر، توسط شوندگان ژاپنی امتیازدهی شد. نتایج نشان از اهمیت تفاوت بین فرهنگی در درک ابراز هیجانات پایه مثبت و منفی که به صورت صدای غیرکلامی است (کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسورا و اوکوبو، ۲۰۱۳). تبیین دیگر از تفاوت بین فرهنگی، تفاوت در قانون‌های ابراز هیجان‌ها در فرهنگ‌های مختلف است (کوداک، بلین، هاما، ماسودا، ماتسورا و اوکوبو، ۲۰۱۳) بعلاوه کلمه‌های استفاده شده، برای شرح یا تعریف کردن هیجان‌ها، معنایشان بین زبان‌ها متفاوت است؛ بدیهی است این چنین

<sup>1</sup>- Prado, Treeby & Crowe

- in Patients with Obsessive-Compulsive Disorder and Average People. *Armaghanedanesh*, 17(1), 30-39. (In Persian)
- American Psychiatric Association, Diagnostic and statistical manual of mental disorders(Fifth edition) DSM-5.(2013). Washington, DC: Author
- Atkinson AP, Dittrich WH, Gemmell AJ, Young AW. (2004). Emotion perception from dynamic and static body expressions in point-light and full-light displays. *Perception*, 33(6), 717-746.
- Bagley AD, Abramowitz CS, Kosson DS. (2009). Vocal affect recognition and psychopathy: Converging findings across traditional and cluster analytic approaches to assessing the construct. *Journal of Abnormal Psychology*, 118(2), 388.
- Belin P, Fillion-Bilodeau S, Gosselin F. (2008). The Montreal Affective Voices: a validated set of nonverbal affect bursts for research on auditory affective processing. *Behavior Research Methods*, 40(2), 531-539.
- Blashfield RK, Intoccia V. (2000). Growth of the literature on the topic of personality disorders. *American Journal of Psychiatry*, 157(3), 472-473.
- Bozikas VP, Kosmidis MH, Giannakou M, Saitis M, Fokas K, Garyfallos G. (2009). Emotion perception in obsessive-compulsive disorder. *Journal of the International Neuropsychological Society*, 15(1), 148-153.
- Brook M, Kosson DS. (2013). Impaired cognitive empathy in criminal psychopathy: Evidence from a laboratory measure of empathic accuracy. *Journal of Abnormal Psychology*, 116(1), 122.
- Daros AR, Zakzanis KK, Rector NA. (2014). A quantitative analysis of facial emotion recognition in obsessive-compulsive disorder. *Psychiatry Research*, 215(3), 514-521.
- Darvishi N, Alilou MM, Bakhshipour A, Farnam A, Bahramkhani M. (2013). Theory of mind in obsessive-compulsive disorder patients versus normal individuals. *Adv Cogn Sci*, 15, 78. (In Persian)
- Dawel A, O'keamey R, McKone E, Palermo R. (2012). Not just fear and sadness: Meta-analytic evidence of pervasive emotion recognition deficits for facial and vocal expressions in psychopathy. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 36(10), 2288-2304.
- Ekman PFW, Palo Alto CA. (1976). Pictures of facial affect: Consulting Psychologist Press.
- Fathi-Ashtiani A, Dastani M. (2009). Psychological tests: Personality and mental health. Tehran: Besat, 46. (In Persian)
- Fertuck EA, Lenzenweger MF, Clarkin JF, Hoermann S, Stanley B. (2006). Executive neurocognition, memory systems, and borderline personality disorder. *Clinical Psychology Review*, 26(3), 346-375.
- Grilo CM. (2004). Factor structure of DSM-IV criteria for obsessive compulsive personality disorder in patients with binge eating disorder. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 109(1), 64-69.
- Jamali M, Yaghmaee F, Sabahi P, Bigdeli I. (2017). Comparing the selective attention among individuals with symptoms of antisocial personality disorder, obsessive-compulsive personality disorder and normal individuals. *Journal of Clinical Psychology*, 3 (35) (In Persian)
- Jhung K, Namkoong K, Kang JI, Ha RY, An SK, Kim CH, Kim SJ. (2010). Perception bias of disgust in ambiguous facial expressions in obsessive-compulsive disorder. *Psychiatry Research*, 178(1), 126-131.
- Kharrazi SMM, Beheshti-Zadeh M, Hashemian S. (2012). The Ability to Recognize Facial Emotional Expressions in Obsessive-Compulsive Disorder Patient and Normal Peers. *Advances in Cognitive Science*, Vol, 14, No, 2. (In Persian)
- Koeda MBP, Hama T, Masuda T, Matsuura M, Okubo Y. (2013). Cross-cultural differences in the processing of non-verbal affective vocalizations by Japanese and Canadian listeners. *Frontiers in Psychology Emotion Science*, Volume 4, Article 105.
- Komreich C, Blairy S, Philippot P, Dan B, Foisy ML, Hess U, Verbanck P. (2001). Impaired emotional facial expression recognition in

- alcoholism compared with obsessive-compulsive disorder and normal controls. *Psychiatry Research*, 102(3), 235-248.
- Loi F, Vaidya JG, Paradiso S. (2013). Recognition of emotion from body language among patients with unipolar depression. *Psychiatry research*, 209(1), 40-49.
- Mannava s. (2012). Age-related Differences in Emotion Recognition Ability: Visual and Auditory Modalities. Vanderbilt University Board of Trust. Spring, Volume 8.
- Marsh AA, Blair RJR. (2008). Deficits in facial affect recognition among antisocial populations: a meta-analysis. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 32(3), 454-465.
- Mikaeili n, adineh p. (2012). The Relationship between Cognitive Functions and Theory of Mind in Obsessive-Compulsive Patients. *Counseling and Psychotherapy Culture. Quarterly Journal of the Third Year*, No. 9. (In Persian)
- Moosavian E, Hadian H.(2013). Investigating the role of facial emotion recognition as an independent. (In Persian)
- Nejati V,Naserpur H, Zabihzadeh A, Rashidi M. (2014). A study of theory of mind and empathy in convicts of penal courts:Evidences from reading the mind test through eye image. *journal of Social Cognition*, Vol. 3.No.2 .(In Persian)
- Nentjes LBD, Arntz A, Breukelen G V, Slaats M. (2015). Examining the influence of psychopathy, hostility biases, and automatic processing on criminal offenders' Theory of Mind. *International Journal of Law and Psychiatry*,38: 92-99.
- Prado CE, Treeby MS, Crowe SF. (2015). Examining relationships between facial emotion recognition, self-control and psychopathic traits in a non-clinical sample. *Personality and Individual Differences*, 80, 22-27.
- Proctor T, Beail N. (2007). Empathy and theory of mind in offenders with intellectual disability. *Journal of Intellectual and Developmental Disability*, 32(2), 82-93.
- Raeyat-Meoini FHH, Aghamohammadian-Sharaf H R. (2014). Comparing Theory of Mind and Executive Functions in Obsessive Compulsive Disorder. *Schizophrenia, Bipolar and Normal Individuals*, Vol. 6. No. 2.(22) (In Persian)
- Richell R, Mitchell D, Newman C, Leonard A, Baron-Cohen S, Blair R .(2003). Theory of mind and psychopathy: can psychopathic individuals read the 'language of the eyes'? *Neuropsychologia*, 41(5), 523-526.
- Robinson L, Spencer MD, Thomson L D, Sprengelmeyer R, Owens DG, Stanfield A C, McKechnie A .(2012). Facial emotion recognition in Scottish prisoners. *International Journal of Law and Psychiatry*, 35(1), 57-61.
- Ruffman T, Halberstadt J, Murray J. (2009). Recognition of facial, auditory and bodily emotions in older adults. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 64(6), 696-703.
- Ruiz-Tagle A, Costanzo E, De Achával D, Guinjoan S. (2015). Social cognition in a clinical sample of personality disorder patients. *Frontiers in psychiatry*, 6, 75.
- Samuels J, Nestadt G, Bienvenu OJ, Costa PT, Riddle M A, Liang KY, Cullen BA. (2000). Personality disorders and normal personality dimensions in obsessive-compulsive disorder. *The British Journal of Psychiatry*, 177(5), 457-462.
- Schimansky J, David N, Rössler W, Haker H. (2010). Sense of agency and mentalizing: dissociation of subdomains of social cognition in patients with schizophrenia. *Psychiatry Research*, 178(1), 39-45.
- Schlegel K. (2013). Improving the measurement of emotion recognition ability. University of Geneva.
- Schlegel K, Grandjean D, Scherer KR. (2014). Introducing the Geneva emotion recognition test: an example of Rasch-based test development. *Psychological Assessment*, 26(2), 666.
- Schneider S, Christensen A, Häußinger FB,Fallgatter A J, Giese M A, Ehliis AC. (2014). Show me how you walk and I tell you how you feel—a functional near-infrared spectroscopy study on

- emotion perception based on human gait. Neuroimage, 85, 380-390.
- Shekofteh s, Rafieinia p, Sabahi p. (2014). The comparison of theory of mind and facial emotion recognition in psychotic, neurotic and normal individuals. Advances in Cognitive Science, Vol. 16, No. 1 .(In Persian)
- Trotman H, McMillan A, Walker E. (2006). Cognitive function and symptoms in adolescents with schizotypal personality disorder. Schizophrenia bulletin, 32(3).